

شوش

و

چغابندیک



نشریه اداره کل باستانشناسی

مهرماه ۱۳۴۲

Suse
et
Tchogha-Zanbil



publication
du Service Archéologique
de L' Iran

Octobre 1963

۱۲۵۱۲
مطوع
راهنمای

شوش

اسکن شد

و

چغازنبیل

کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام و ایران
۱۳۴۲

نوشته سلما مقدم

ترجمه نوشین نفیسی

چاپ شرکت سهامی افست - تهران

پرتو باستان‌شناسی در شوش

شهر قدیم شوش پایتخت الام در دشت حاصل خیز خوزستان که امتداد جلگه بین‌النهرین در ایران است قرار گرفته و بهمین نظر با تمدن بین‌النهرین بستگی نزدیکتری دارد از ادوار باستانی تا اوائل اسلام شوش همیشه محل سکونت بوده است. حفریات باستان‌شناسی در این مکان سلسله شهرهائی را از زیر خاک بیرون آورده که بیشتر آنها نقش مهمی در تاریخ تکامل هنر آسیای غربی بعهده داشته‌اند محل باستانی شوش امروز بصورت تپه عظیم و وسیعی نمایان است که حفریات باستان‌شناسی گودالهای عمیقی در آن بوجود آورده و شامل چهار بخش متمایز است. اکروپل، شهرشاهی، آپادانا و شهر کارگران. مشرف به تپه قلعه‌ای بسبک معماری قرون وسطی در اوائل قرن کنونی توسط ژاک دومرگان ساخته شده است. اولین جستجوهای باستان‌شناسی از سال ۱۲۲۸ تا ۱۲۵۱ خورشیدی. (۱۸۴۹ - ۱۸۷۲) میلادی توسط لوفتوس انجام گرفت وی چند بار جلگه بین‌النهرین و دشت شوش را پیمود و اولین نفری بود که محل شوش را کشف

نمود از سال ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۴ - ۱۹۰۶ میلادی) مارسل و ژان دیولافو اولین حفریات مهم را انجام دادند توجه آنها بیشتر بسوی آپادانا و قسمتی از يك قصر هخامنشی بود و ستون‌هایی که شیبه ستونهای هخامنشی داشت از دل خاک بیرون آوردند. دیوارهای این قصر با آجرهای بزرگ لعابدار نقوش تیراندازان گارد شاهی و شیر و گاو مزین شده بود از سال ۱۲۹۶ خورشیدی ژاک دومرگان بریاست هیئتی از دانشمندان و باستان شناسان کاوشهای سالیانه خود را که مأموریت در ایران بود در محل نامبرده شروع نمود که بعدها این گروه به هیئت باستان - شناسی در ایران تغییر نام دادند و کاوشهای آنها تا به امروز ادامه دارد که ریاست فعلی آن با پروفیسور رمان گیرسمن است از میان دانشمندانی که عضویت این هیئت را داشته‌اند بایدژاک دومرگان را نام برد که نه تنها مدت ۱۵ سال ریاست آنرا بعهده داشت بلکه مأموریت‌های اکتشافی علمی بسیاری به سایر نقاط ایران انجام داد. و نیز پرشل خط‌شناس معروف در هیئت نامبرده انجام وظیفه مینمود و با خواندن نوشته‌هایی که در طی حفریات بدست آمدتوانست نام کامل تمام شاهانی را که در شوش سلطنت نموده‌اند و همچنین اطلاعات بیشمار دیگری در باره عادات و رسوم مردمانی که در این سرزمین زندگی میکردند در

دسترس ما بگذارد بالاخره بعد از دومرگان کنت دومکنم ریاست عملیات حفاری را در شوش بعهدہ داشت و ۴۰ سال وقت خود را صرف حفاریات در این محل نموده و مجموعہ های گرانبھائی کشف کہ اکنون زینت بخش موزہ ایران باستان میباشد و ضمناً گرادوان روگن مهندس با تجربہ هلندی در کانال و سدہای باستانی خصوصاً آنچه را کہ ساسانیان بترای استفادہ از آب رود کارون، دز، کرخہ، در آبیاری دشت خوزستان ساخته بودند مطالعات عمیقی نمود

نتیجہ این حفاریات در ۴۰ مجلد بنام (خاطرات ہیئت باستان - شناسی فرانسه در ایران) منتشر گردید کہ تا امروز ہم ادامہ دارد. کشفیات مهمی در همان اوان نصیب ہیئت گردید از جملہ قبرستان وسیعی بود کہ قدیم ترین طبقہ آن ہمزمان با تمدن عید در بین النہرین است (اوایل ہزارہ چہارم قبل از میلاد) ظرف های گوناگون اسلحہ و اشیاء مسی و آلات تزئینی مختلف ہمراہ مردگان دفن شدہ بود.

ظروف سفالی طبقہ اول (شوش ۱) زیبایی خاصی دارد کہ کمتر نظیر آن دیدہ شدہ است چہ تناسب و دقت خاصی کہ در نقوش تزئینی آن بکار رفتہ است در عدد برجستہ ترین سفال های پیش از تاریخ محسوب میگردد.

در اواخر هزاره چهارم اولین علامات خط کشف گردید و این خط که نیمه تصویری است بنام خطوط پروتوالامی مشهور است و تا کنون خوانده نشده و بعدها الفبای میخی جانشین آن گردیده است.

هنوز نیمه دوم هزاره دوم ق.م به پایان نرسیده بود که الامی ها بدنبال کشمکش های مداوم و سرکوبی همسایگان و ملل مهاجم به اوج قدرت رسیده بودند و در همین زمان است که از لشکرکشی های خود به بین النهرین اثاث و غنائم بسیار همراه آوردند که بعضی از آنها در تپه آکروپل شوش کشف شده است از میان این غنائم مهمترین آنها لوحه قانون حمورابی و لوح نارام سین و هرم مانیش توسو میباشد.

الامی ها شواهد بسیاری از نبوغ خلاقه خود به میراث گذارده اند استادی آنها در فن فلز کاری کاملاً آشکار است. پایتخت خود شوش را شهری ثروتمند و آباد ساختند. مجسمه ملکه ناپیر آسو و اونتاش گال بزرگترین پادشاه الام نمونه بی همتائی از فن مفرغ سازی آنهاست همین شاه است که سیزده قرن قبل از میلاد زیگورات باشکوه چغازنبیل (قدیم ترین ابنیه شناخته شده ایران) را در سی کیلو متری شوش بنا نمود الامی ها بشهادت تاریخ جنگجویان سلحشوری بوده اند و سلاح های مفرغی بسیار کاملی

بکار میبردند. نمونه این اشیاء مفرغی نه تنها در الام بلکه در نواحی دور دست نیز پیدا شده از جمله در دره‌های زاگرس که بی‌شک بعضی از آن نمونه‌ها اسلحه‌های برنزی لرستان بوده است. در سال ۶۴۰ قبل از میلاد لشگر آسور بانیپال پادشاه آشور شوش را تسخیر و ویران نمود ولی در زمان هخامنشیان شوش دوران آبادانی خود را از نو باز یافت داریوش بزرگ شاهنشاه هخامنشی شهر تاریخی شوش را به پایتختی انتخاب کرد و قصر مجللی در آن بنا نمود که الواح معروف (فرمان کاخ شوش) سند آنست. در زمان داریوش و جانشینان وی قصرهایی با شبستان‌های وسیع مزین به کاشی‌های لعابدار بر روی تپه آپادانا ساخته شد. زر و سیم سنگ لاجورد، عاج و چوب‌های گرانبها از دورترین شهرهای امپراطوری که در اثر پیروزی‌های کورش، کمبوجیه، داریوش به مرزهای نیل و گنگ میرسد بشوش آورده میشد.

شوش مانند تخت جمشید از آسیب اسکندر مصون نماند و غارت شد از دوران اشکانی و ساسانی آثار نادری در شوش بدست آمده است زیرا عظمت و افتخار دو سلسله فوق در نواحی دیگر ظاهر شده است.

شوش در دوران اسلامی بار دیگر آبادانی خود را باز یافت ظروف گوناگون از قبیل جام، بشقاب، کوزه‌های ساده بی‌لعاب

سفالهای رنگارنگ درخشان همه شاهد این عقیده هستند .
در اوایل این قرن شوش مجدداً در راه پیشرفت گام برداشت و
بنا بگفته کوکلین (حفریات شوش از نظر ظروف سفالین کمتر از
سامره نیست) مقبره دانیال که گنبد مخروطی شکل آن از میان
خانه‌هایی که آن را احاطه کرده سر به آسمان کشیده است مکان
مقدسی است که مسلمانان ، عیسویان و یهودیان همگی بزیارت
آن میروند .

در قرن سیزدهم این شهر معروف که بقایای آن نشان دهنده
تمدن مداومی است که شاید در تاریخ بی نظیر باشد برای همیشه
خاموش گشت .

در ۳۰ سال قبل شوش فقط از چند خانه که در اطراف مقبره
دانیال گرد آمده بود تشکیل میشد ولی از آن به بعد این دهکده
محقر رو به توسعه نهاد و شاید در اثر طرحهای آبیاری که در این
منطقه اجرا میشود شکوه گذشته خود را باز یابد .

زیگورات چغازنبیل

زیگورات چغاز زنبیل در سی کیلو متری شوش در ساحل رودخانه دز از شعب رود کارون قرار گرفته است در سال ۱۳۰۴ زمین شناسانیکه بدنبال مطالعات معدن شناسی بودند در ضمن بررسیهای هوایی تپه عظیمی جلب نظر آنان را نمود و نتیجه این کشف خود را بهیئت باستان شناسان در شوش اطلاع دادند. بنابراین چند سال بعد از این کشف آقای کنت دومکنم برای شناسائی تپه مزبور شروع بحفاری و گمانه زنیهای نمود که ضمن خاکبرداری در قسمتی از تپه دو عدد آجر کشف گردید که روی آن بخط الامی مطالبی نقر شده بود و پس از مطالعه الواح مزبور متوجه گردید که تپه مزبور یکی از معابد الامی بوده که توسط اُنتاش گال پادشاه الام در تاریخ ۱۲۵۰ ق م. بنا شده است. در متون کتیبه‌های آشوری این محل بنام دور اُنتاشی ذکر گردیده است که در هفتمین یورش آشور بانیپال ذکر آن به میان آمده است. این زیگورات بنای چند طبقه ایست که از طرف پادشاه نامبرده وقف خدای اینشوشیناک شده بوده در سال

۱۳۲۵ در دنباله حفريات كنت دومكنم آقای دکتر گیرشمن عملیات خاکبرداری آنجا را از نو آغاز نمود و تاکنون هم نیز عملیات حفاری ادامه دارد. در نتیجه حفاری مداوم ایشان کلیه بنای زیگورات بطور منظم از زیر خاکها بیرون آمد. در میان شهريك (تمنس) یا محله مقدسی قرار گرفته که حصارى اطراف آنرا احاطه میکرده و محوطه چهارگوشی را تشکیل میداده است که هر ضلع مربع مزبور بالغ بر ۴۰۰ متر میگشته و در وسط این محله بقایای این زیگورات عظیم و مستحکم دیده میشود که ارتفاع فعلی آن از کف اصلی اطراف میدان جلو معبد از ۲۵ متر افزون است.

در تورات از برج بابل نامبرده شده و همیشه مورد توجه کاشفین اولیه بوده است و روی این اصل باستان شناسان بیش از ۲۰ زیگورات در شهرهای بین النهرین کشف نموده اند که توسط سومریها، بابلیها و آشوریها بنا شده است. ولی ساختمان هیچیک از آنها بعظمت و زیبایی زیگوراتی که اُنْتاش گال بنا نهاده نمیشد.

پایه این زیگورات مربعی است که هر پهلوى آن ۱۰۵ متر میباشد و ارتفاع ساختمان در اصل به ۵۰ متر میرسیده و شامل ۵ طبقه بوده است که آخرین طبقه آن بخدای اینشوشیناك تعلق

این طبقات بر رویهم قرار نگرفته بلکه همه از سطح زمین شروع شده و يك طبقه طبقه دیگر را در بر میگیرد . دیوارهای این بنا از خشت خام ساخته شده و روکشی از آجر سطح خارجی دیوار را می پوشانید و بر روی این آجرها کتیبه هائی بخط الامی بنام اُنتاش گال دیده میشود .

سر درهای مجلل و راه پله های متعدد طوری ساخته شده و بطبقات فوقانی منتهی میشده است که فقط افراد مطلع میتوانسته اند از آن استفاده نمایند . آقای دکتر گیرشمن بعد از مطالعات عمیق به تشریفات مذهبی که در پیشگاه شاه و ملکه انجام میگرفته است پی برد و تصور مینماید که هیکل خدا که احتمالاً در معبد فوقانی نگهداری میشده در روز تشریفات مذهبی توسط کاهنان معبد در اطاق تختانی معبد بحضور شاه عرضه میشد ضمناً قربانگاهی در طبقه تختانی بدست آمده است که مراسم قربانی حیوانات مختلف را در آنها انجام میداده اند میدانهای اطراف زیگورات با آجر فرش شده و اطاقها هم سقف دار بوده و درهائی بشکل قوس های شکسته داشته است و نیز زیاتگاه و معابد متعدد دیگری پیدا شد که در آن اشیاء کمتری کشف گردید زیرا لشگریان آشور بانیپال آنجا را ابتدا غارت سپس ویران نموده اند

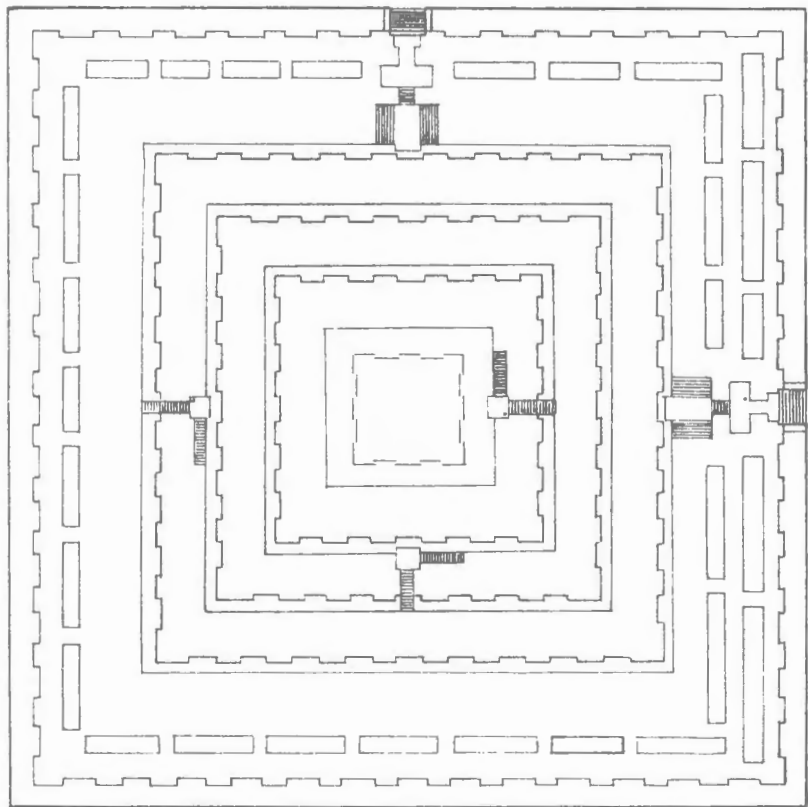
علاوه بر آجرهای کتیبه‌دار که همه جا بمقدار زیادی پراکنده شده بود تعداد قابل ملاحظه‌ای میخهای بزرگ آجری لعابدار که نام اُنتاش‌گال روی آن حک شده بود بدست آمد. از جمله الواح آجری لعابدار که دارای تزئینات برجسته است و مقداری اسلحه از مرمر و مفرغ از قبیل گرز، دست بند سر نیزه و تیرهای مفرغی و چوبدست‌هایی از خمیر شیشه از این محل کشف گردید در معابد و پرستشگاهها که بخدایان متعدد الامی اختصاص داشت تعداد زیادی مجسمه‌های کوچک مرد و زن و حیوانات از گل پخته بدست آمد که زائرین بعنوان نذورات به معبد اهداء نمودند که هنوز وضع آن در محل‌های خود بچشم میخورد.

جالب‌ترین شیئی که در حفریات اخیر چغازنبیل بدست آمد مجسمه گاو لعابداری است که با کمال ظرافت و مهارت ساخته شده و کتیبه‌ای بر روی گرده آن بخط عیلامی در چند ردیف نوشته شده است و اکنون زینت بخش تالار موزه ایران باستان است. این گاو ظاهراً در بالای یکی از سردرهای تشریفاتی زیگورات قرار داشته است با خواندن کتیبه مذکور در فوق بوسیله خط‌شناس هیئت فرانسوی معلوم گردید که این مجسمه هدیه‌ای بخدای اینشوشیناک بوده است.

زیگورات چغازنبیل که از آسیب‌زمان لطمات بی‌شمار دیده هنوز

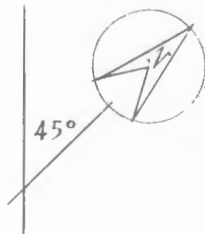
با ابهت و جلال بیمانندی سر باآسمان کشیده و شاهد عظمت
امپراطوری بزرگ الام میباشد.

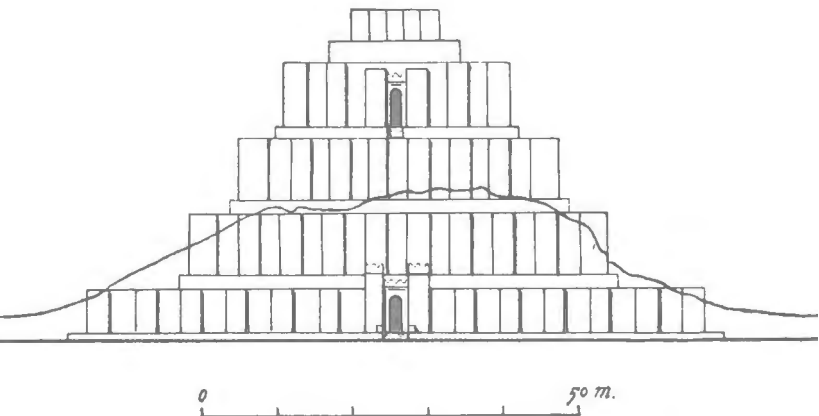




Plan de la Ziggourat

نقشه زیگورات





*Ziggourat
de
Tchoga — Zanbil
essai de reconstitution*

نقشهٔ زیگورات چغازنبیل که توسط معماران هیئت علمی فرانسه طرح شده است

taureau en brique émaillée qui a été si habilement reconstitué par Mme Ghirshman et qu'on peut admirer au Musée Archéologique de Téhéran. Ce taureau qui devait monter la garde devant une des portes monumentale de la Ziggourat, a le dos couvert d'une longue inscription. Le R.P. Stève, épigraphiste de la Mission, à qui nous sommes redevables du déchiffrement de toutes les inscriptions trouvées à Tchogha Zanbil, y a lu une dédicace au dieu Inshoushinak.

L'imposante Ziggourat de Tchogha Zanbil qui semblait devoir défier les outrages du temps et des hommes, a été, comme Suse, détruite vers 640 av.J.C. par Assurbanipal. De nos jours, quoique diminuée et mutilée, elle dresse encore fièrement ses étages vers le ciel, dernier témoin de la grandeur de l'Empire Elamite.





Grand gobelet peint
en terre cuite Suse I.
Milieu du 4^e millénaire.

ظرف سفالی منقوش متعلق باواسط
هزاره چهارم ق. - م شوش ۱



خاکبرداری زیگورات از جهت شمال غربی

à pommeau central, des masses d'armes en marbre, en albatre, en bronze, des poignards, des haches, des têtes de lance et de flèche en bronze, des baguettes en pâte de verre, etc. Dans le quartier sacré, des temples et des chapelles dédiés aux nombreuses divinités du panthéon élamite, contenaient encore des objets votifs déposés par les pèlerins: statuettes d'hommes et de femmes et figurines d'animaux en terre cuite.

La trouvaille la plus intéressante est sans doute le



La Ziggourat.

La Face Nord-Ouest, dégagée.

En dégagant la Ziggourat, la Mission a découvert des parvis dallés de briques cuites, des chambres voûtées, des portes en arcs brisés, des chapelles, des temples. Mais relativement peu d'objets ont été trouvés au cours des fouilles, le site ayant été dévasté et pillé par les armées du conquérant assyrien Assurbanipal. Outre les briques inscrites qui jonchaient le sol, ont été trouvés un grand nombre de clous de fondation en terre cuite émaillée au nom d'Untash Gal, des plaques en terre cuite vernissées

La Tour de Babel de la Bible, qui a hanté l'imagination des premiers explorateurs n'est plus un mythe. Les archéologues ont identifié plus de 20 Ziggourats élevées dans les principales villes de Mésopotamie, successivement par les Sumériens, les Babyloniens et les Assyriens. Cependant aucune d'entre elles ne semblent s'être aussi bien conservée que celle qu'Untash Gal dédia à son dieu. Elle est aussi la plus grande de toutes celles que nous connaissons. Un mur d'enceinte de 400 mètres de côté entoure le quartier sacré au milieu duquel s'élève la Ziggourat. Celle-ci forme un carré de 105 mètres de côté. A l'origine elle s'élevait à 50 mètres de hauteur et comportait 5 étages, l'étage supérieur étant la demeure de la divinité. Actuellement elle mesure 25 mètres et seuls 3 étages subsistent. Ces étages ne sont pas superposés mais s'élèvent tous du sol en s'emboitant les uns dans les autres. Ils sont bâtis en briques crues avec un revêtement de briques cuites dont un grand nombre sont couvertes d'inscriptions en caractères cunéiformes au nom du roi Untash Gal. Des portes monumentales et de multiples escaliers conduisent aux étages supérieurs selon un dispositif très particulier qui ne donnait accès à l'étage le plus élevé qu'aux seuls initiés. Le Prof. Ghirshman a pu, après une étude approfondie du monument, reconstituer les cérémonies religieuses qui se déroulaient en présence du roi et de la reine. Il suppose que "l'éfigie de la divinité, probablement conservée dans le temple supérieur, devait être descendue par les prêtres et présentée au roi dans la cella du temple inférieur". Des tables de sacrifice ont été mises au jour, sur lesquelles devaient être immolés les animaux.



**La Face Nord-Est
à moitié dégagée**

جہہ شمال شرقی زیگورات

LA ZIGGOURAT

DE TCHOOGHA-ZANBIL

La Ziggourat de Tchogha-Zanbil est située à une trentaine de kilomètres de Suse, sur la rive droite de l'Ab-é Diz, affluent du Karoun.

En 1935, des géologues prospecteurs signalèrent à la Mission Archéologique Française de Suse une butte au centre de deux enceintes qu'ils avaient repérée au cours d'une reconnaissance aérienne. L'année suivante et jusqu' en 1939, le comte de Mecquenem, alors directeur de la Mission, entreprit le déblayement d'une partie de la colline qu'il identifia d'après les briques inscrites trouvées in situ, comme étant une Ziggourat (tour à étages) d'époque élamite fondée par le roi Untash Gal vers 1250 av.J.C. Cette Ziggourat est mentionnée dans les textes assyriens sous le nom de Dour Untashi.

En 1946 les fouilles reprurent sous la direction du Prof. R.Ghirshman et se poursuivirent jusqu'en 1962. Grâce à la compétence et aux efforts déployés par le Prof. Ghirshman pendant ces années de fouilles, la Ziggourat fut systématiquement dégagée des amas de débris et de terre sous lesquels elle était ensevelie. Ainsi nous apparaît maintenant cette imposante construction, ce temple dédié au grand dieu Inshoushinak, qui devait, d'après les conceptions religieuses des anciens, relier le ciel et la terre.

Mais Suse, pas plus que Persepolis ne fut épargnée par Alexandre qui mit la ville à sac.

Des époques parthe et sassanide nous ne possédons que de rares témoignages, le grand art de ces civilisations s'étant manifesté ailleurs.

A l'époque islamique, Suse connut un regain de prospérité. Une grande variété de vases, de coupes, de plats allant de la simple cruche non émaillée à la céramique lustrée polychrome, attestent que l'art, au début de cette époque avait, une fois de plus refléuri. Selon Koechlin, "les fouilles de Suse n'avaient rien à envier pour la céramique à celles de Samarra".

Le Tombeau de Daniel, dont on voit encore le toit conique émerger au-dessus des maisons qui l'entourent, est un lieu de pèlerinage vénéré à la fois des Musulmans, des Chrétiens et des Juifs.

Au 13^e siècle la célèbre ville dont les vestiges présentent un exemple de continuité peut-être unique dans l'histoire des civilisations, fut abandonnée.

Il y a une trentaine d'années encore Suse ne comptait plus que quelques maisons groupées autour du Tombeau de Daniel. Depuis, cet humble village ne cesse de s'agrandir. Peut-être qu'un jour, grâce aux travaux d'irrigation entrepris dans la région, l'antique cité retrouvera-t-elle l'éclat de sa grandeur passée.

Les Elamites nous ont légué de nombreux témoignages de leur génie créateur et se sont révélés maîtres dans l'art de la métallurgie. Ils firent de Suse, leur capitale, une cité riche et prospère. La statue de la Reine Napir Asou, femme d'Untash Gal, grand roi de l'Elam, est un exemple unique en son genre de la technique du bronze. C'est ce même roi qui, au 13^e siècle av.J.C., construisit, à une trentaine de kilomètres de Suse, l'imposante Ziggourat de Tchogha Zanbil, le plus ancien des monuments connus de l'Iran. Les Elamites, dont les annales de l'époque ont restitué les exploits guerriers se servaient d'un armement en bronze déjà très perfectionné. Ces bronzes n'ont pas seulement été trouvés en Elam, mais se sont répandus en de lointaines contrées. Nous les retrouvons dans les vallées du Zagros où certaines formes ont probablement servi de modèles aux armes en bronze du Luristan.

En 640 Av.J.C. Suse fut conquise et dévastée par les armées du souverain assyrien Assurbanipal, mais retrouva, à l'époque achéménide, une nouvelle ère de prospérité.

Darius, le grand roi de la dynastie achéménide, choisit l'antique cité de Suse pour capitale et construisit un somptueux palais ainsi qu'en témoigne le fameux document appelé "La Charte du Palais de Suse". Sous Darius et ses successeurs, des palais aux vastes salles hypostyles décorées de panneaux en briques émaillées, s'élevèrent sur l'Apadana. L'or, l'argent, le lapis-lazuli, l'ivoire et les bois précieux furent apportés à Suse des plus lointaines provinces de l'Empire qui, après les conquêtes de Cyrus, de Cambyse et de Darius étendait les frontières de l'Iran du Nil à l'Indus.

les eaux de ses fleuves, le Karoun, l'Ab-é Diz et la Kherka.

Près de 40 volumes des Mémoires de la Mission Archéologique Française en Iran ont publié les résultats de ces fouilles et continuent à paraître.

D'importantes découvertes ont été faites dès le début des fouilles. Une vaste Nécropole a été mise au jour dont le niveau le plus profond correspond à la culture d'Obeid en Mésopotamie (milieu du 4^e millénaire). Des vases et des coupes, des armes et des outils de cuivre, des objets de parure, constituaient le mobilier funéraire des premiers occupants du site. La céramique de ce premier style de Suse (Suse I) est d'une beauté qui n'a jamais été égalée depuis. La finesse de la pâte, l'équilibre des proportions, la stylisation très étudiée du décor, classent les vases de Suse I parmi les plus remarquables de la céramique peinte préhistorique.

A la fin du 4^e millénaire apparaissent les premiers signes d'écriture. Cette écriture dite proto-élamite, qui n'a pas encore été déchiffrée, est semi-pictographique. Elle sera remplacée plus tard par des caractères cunéiformes.

Après des luttes incessantes contre les dynasties voisines et les peuples envahisseurs, l'Elam atteignit, durant la 2^e moitié du 2^e millénaire, l'apogée de sa puissance. De nombreux trophées de guerre rapportés par les Elamites aux cours de leurs expéditions en Mésopotamie ont été découverts sur l'Acropole. Parmi les plus importants citons le Code d'Hammourabi, la Stèle de Naram Sin, la Pyramide de Manishtousou.

De 1884 à 1886, Marcel et Jane Dieulafoy entreprirent les premières fouilles importantes. C'est surtout sur l'Apadana que se porta l'intérêt de Dieulafoy qui débâta, en partie, un vaste palais achéménide aux colonnes identiques à celles de Persepolis et dont les parois étaient ornées de frises en briques émaillées représentant les archers de la garde royale, des lions et des taureaux.

En 1897, J. de Morgan, à la tête d'une équipe de savants et d'archéologues, inaugura les fouilles annuelles

de la "Délégation en Perse" appelée plus tard "Mission Archéologique en Iran". Les fouilles de la Mission se poursuivent jusqu'à nos jours sous la direction du Prof. R. Ghirshman.

Parmi les savants qui firent partie de la Mission, retenons les noms de J. de Morgan qui non seulement assumait pendant 15 ans la direction des fouilles mais entreprit d'importantes explorations scientifiques dans plusieurs régions de l'Iran, du Père V. Scheil, éminent épigraphiste, qui, en déchiffrant toutes les inscriptions trouvées au cours des fouilles nous a donné une liste presque complète des souverains qui ont régné à Suse et de nombreux renseignements sur les usages et la vie des peuples qui habitèrent ces régions, du comte de Mecquenem qui consacra près de 40 années aux fouilles de Suse et contribua à l'enrichissement des collections du Musée Archéologique de Téhéran. D'autre part, un ingénieur hollandais, de grande expérience et spécialiste pour les questions d'irrigation, Graadt Van Roggen, fit une étude approfondie des canaux et des barrages construits par les anciens et plus spécialement par les Sassanides, pour répandre dans les plaines de la Susiane

SUSE, À LA LUMIÈRE DES FOUILLES ARCHÉOLOGIQUES.

Suse, capitale de l'Elam, est situé dans la province autrefois fertile du Khuzistan qui prolonge, en Iran, la grande plaine arrosée par le Tigre et l'Euphrate. Aussi sa civilisation est-elle plus étroitement liée à celle de la Mésopotamie qu'à celle du Plateau Iranien. Occupé depuis la plus haute antiquité jusqu'au début de l'époque islamique, le site de Suse a révélé au cours des fouilles une succession de villes enfouies dont plusieurs ont joué un rôle important dans l'histoire de l'évolution artistique de l'Asie Occidentale.

Le site de Suse se présente aujourd'hui sous l'aspect d'un gigantesque "tépé" (colline artificielle) où les fouilles ont creusé de profondes tranchées. On y distingue 4 parties: l'Acropole, la Ville Royale, l'Apadana et la Ville des Artisans. La colline est dominée par un château d'aspect moyenâgeux construit, au début du siècle par Jacques de Morgan.

Les premières recherches archéologiques furent entreprises par Loftus qui, de 1849 à 1852, parcourut le sud de la Mésopotamie et la Susiane. Il fut le premier à identifier le site.





Plan du Suse

نقشه شوش

Printed by Offset Press Inc., Tehran, Iran

Guide
de
Suse
et de
Tchogha-Zanbil

par

Selma Moghadam.

Téhéran — 1963